

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان: اختلالات خلقی (دکتر اذرخش مکرری)

نام و نام خانوادگی: علی اکبری

شماره دانشجویی: ۴۰۲۰۵۷۵۹۴

مرکز: تربت حیدریه

زیر گروه: ۹۰

نام استاد : هادی رزم یار

اختلالات خلقی یکی از مهم ترین مباحث روانشناسی است

چرا بعضی ها روحیشون کسل میشه چرا از نظر روحی افت میکنن و چی میشه که این انقدر ناامید میشن که خودشونو میکشن همه این ها به نوعی در مبحث اختلالات خلقی مطرح خواهد شد

اختلالات خلقی مفاهیم پایه:

وقتی صحبت از اختلالات خلقی میشه معمولا توی کتاب ها رفرنس ها اولین مبحثی که مطرح میکنند مالیخولیا هست که تقریبا بقراط به طور کامل در مورد مالیخولیا در اون زمان نظر داده و ما هنوز که هنوزه بخشی از درکمون رو از روانپزشکی معاصر مدیون بقراط و توصیف های او از بیماری مالیخولیا یا

Melanholia هستیم

ویژگی بیماران مالیخولیا از نظر بقراط

۱ بقراری

۲ پر خاشگری

۳ بی خوابی

۴ ناامیدی

۵ نفرت از غذا

پس بر خلاف اونیکه ما امروزه فکر میکنیم که از روز اول میگفتن مالیخولیا یک نوع افسردگیه یک خلق غمیگنه خواهیم دید اینجوری نبوده بیشتر یک بیماری عمومی بوده که همچنین علائمی داشته

از علائم فرعی اختلال مالیخولیا

۱ ترس زیاد : پانیک-فوبیا

۲ پر حرفی : بیماران دوقطبی

۳ افکار نامربوط: پرش افکار

طبیعی ایست که بقراط یک پزشک بوده و یک ریشه مابعد الطبیعه ریشه شاید بگم خرافی برای مالیخولیا معتقد نبوده و معتقد بوده مالیخولیا مثل هر بیماری دیگری است این رو هم بگم که حکمای یونان باستان بسیار ارگانیک ماین دد بودند ذهن عضوی داشتند و باورشون این بود که همه ابن ها ریشه در بدن داره بیماری روانی نیست بیماری بدنی است مثل بقراط.

در زمان بقراط اعتقادی در میان پزشکان و مردم وجود داشته که ما دارای اخلاط هستیم یعنی ۴ خلط داریم و این اخلاط رو اون ها humors می‌گفتند شاید امروز این کلمه به معنای طنز باشه ولی اون زمان به معنی مزاج و اخلاط بود.

معمولا چهار مزاج رو تعریف کردند

۱ کولریک. صفاوی. عصبانی

۲ سنگوئین. دموی. شاد

۳ ملانکولیک. سوداوی. گوشه گیر

۴ فگدماتیک. بلغمی. وابسته

تقریبا هم زمان با مالیخولیا یک بیماری دیگری رو میدونستند به نام مانیا که سمبل دیوانگان بوده

حالت ها خوشحالی زیاد- خندیدن- بازی کردن

اگر بخواهیم ریشه شکل گیری افکار مدرن در روانپزشکی رو بررسی کنیم به شهری می ریریم به نام (cappadocia ترکیه فعلی)

سال ۱۵۰ بعد از میلاد مسیح فردی به نام aretaeus برای اولین بار متوجه میشه و اشاره میکنه که مانیک ها به ملانکولیک هد تبدیل میشن و بر عکس

ابن سینا معتقد است که مانیا به دلیل غلبه مزاج دومی نیست بلکه مانیا مخلوطی از صفا و ملانکولی است یعنی مخلوط خشم و افسردگی

رابرت برتن کتابی مینویسه به نام anatomy melancholy که از این کتاب توصیفات گذشتگان درباره مالیخولیا را جمع اوری میکنه که اولین زمینه سایکو تراپی در این کتاب نوشته شده

فلیپ پنیل فردی بود که زنجیر از پای دیوانگان باز کرد و اشاره به برخوردی آرام و انسانی با بیماران کرد که به بهبودی شان کمک میکرد و شاخه ای از روانپزشکی رو پایه گذاری کرد به نام روانپزشکی رماتیک

از نظر پنیل بیماری های روانی ۴ تا و مانیا دو دسته هست

ملانکولی- مانیا- دمانس- عقب ماندگی ذهنی

مانیا بدون جنون و با جنون

تا زمان اسکرول ملانکولی نوعی جنون بود و هیچ شباهتی به افسردگی معاصر نداشت

اصطلاحات روان پزشکی

Rarlydwig =Cyclothymia

Deynpiewre =Circularinsahity

روانپزشکی معتقد بود در ۱۸۹۹ ما چهار نوع بیماری روانی داریم

مانیا- ملانکولی-سیکلو تایما-فولی سیکلوتر

کراپلین (۱۸۹۹، ۱۹۱۳) معتقد است که بیماری های روانی دو تاست

کراپلین به psychogenicdepreseeinoids اعتقاد داشت

کراپلین معتقد بود اجزای مانیک دپرسیو از ۳ فاکتور تشکیل شده

خلق-تفکر-فعالیت

ویژگی های اختلال manic depressive insanity

ماهیت جنون- منشا جسمی-درگیری خلق- بار بلای وراثت-امید به یافته های ارگانیک- میراث

جریانی موازی ولی جدا

۷۵ درصد کل مراجعات روانپزشکی تحت عنوان نورو استنی طبقه بندی می شدند

تا ۷۵ درصد مراجعات زنان به پزشکلن عمومی را خستگی و هیستری تشکیل میداد

هسته سندرم هایی مثل nevres و very comman

و...

خستگی - افسردگی خفیف- اضطراب خفیف- شکایات بدنی- افکار وسواسی و تکراری

پس ما دو جریان مختلف داریم که به هم نزدیک میشن

۱ manic depressive insanity2 neurosis

آنچه که ما امروزه به عنوان ndd میشناسیم مخلوطی از این دو خاستگاه هست

اون هایی که بیشتر میراث روانپزشکان کلاسیک بیمارستانی بودند کم کم متوجه شدند افسردگی هاشون

میتونند به دو ماهیت جدا تقسیم شند

اشنايدر مثل کراپلین معتقد بود که سایکو ژنیک دپرشن اصلا بیماری نیست

دوگانگی افسردگی

Manic depressive×psychogenic

soychotic×nerotic

لوتار کولونوفسکی معتقد بود یکی از افسردگی ها به خوبی به الکترو شوک پاسخ میدهد

کارل یاسپرس=قابل فهم و غیر قابل فهم

ادولف مایر ما نباید در روانپزشکی طبقه بندی داشته باشیم از نظر او چیزی به نام بیماری نداریم و همه واکنش هست او بنیان گذار سایکو بایولوژی هست

ایا اضطراب و افسردگی دو حالت متفاوت اند دو نفر پاسخ میدند ابری لوییس مارتین راس

ابری معتقد بود اضطراب و افسردگی یک بیمار هستند

اما راس بر عکس فکر میکرد

مدل هایی برای تبیین افسردگی

اولین فرمولشن هایی که برای سبب شناسی خلق افسرده شکل گرفت توسط فروید و کارل آبراهام بود

به این مدل مدل هیدرولیکی هم میگن اصطلاحاتی که به کار میبرند aggressoin turedned inward هست

کم کم فروید در سال ۱۹۱۷ از مکانسیم هیدرولیکی فاصله گرفتو object lost رو مطرح میکنه و میگه وقتی این رو از دست بدید افسرده میشید

نگرش object lost رو جان بالبی به کمال خودش میرسونه

Rene aprad متوجه میشه اون کودکانی که مادرشون رو نمبینند چقدر دچار بیماری میشن

از نظر ادوارد بیرینگ اگر کسی با ایده ال های خودش نرسد اعتماد به نفس رو از دست میده هسته افسردگی از نظر او سلف استیم است او همچنین علاقمند به فتوگرافی بود

روانشناسی شناختی توسط ایرون بک به کمال میرسه

او مدل شناختی رو ابداع میکنه

مارتین سیلگمن مفهوم درماندگی اموخته شده رو مطرح میکنه و بیشتر مطالعات حیوانی انجام میداد

پیتر لوینسون نظریه پاداش و تقویت ها رو مطرح میکنه او میگه وقتی توی زندگی تقویت های مناسبی نداری به تدریج افسرده میشی